

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Development eastward as a solution offered by the urban management of
Mashhad to relocate the Holy Shrine to the center?!

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

نقطه نظر/نقد نظر

توسعه به شرق، راه حل مدیریت شهری مشهد برای بازگرداندن حرم مطهر به مرکزیت؟!*

مهدی حسینزاده *

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

چکیده

توسعه شهر مشهد به لحاظ شکلی و جغرافیایی بنابر دلایل گوناگون به سمت شمال غرب بوده است. به طوری که در حال حاضر شهر دارای کشیدگی شمال غربی - جنوب شرقی است. مدیریت شهری مشهد در دوره اخیر - به دلایل معلوم و غیرمعلوم - به دنبال توسعه تحمیلی شهر به سمت شرق بوده است. از جمله دلایل مطرح شده برای این تصمیم کلان در سازمان فضایی شهر، خارج شدن حرم از مرکزیت و به حاشیه رفتن آن ذکر شده است. این یادداشت با تبیین مفهوم مرکزیت، رویکرد مدیریت شهری مشهد در اتخاذ این گونه تصمیمات کلان شهری را مورد نقد قرار داده، چرا که به دلیل فقدان نگاه تخصصی، فهم مدیران از مفهوم «مرکز»، به امری سطحی چون «وسط بودن» در شهر تقلیل یافته است و با توسعه شهر به سمت جنوب شرقی قصد بازگرداندن حرم مطهر به مرکز (وسط) شهر را دارد. این در حالی است که اساساً «مرکز» فراتر از جایگاهش در سازمان فضایی شهر، دارای مفهومی ذهنی و مجرد است. هر چند فرصت پیش روی این رویکرد مدیریت شهری را می توان حرکت در راستای ارتقای عدالت در ابعاد گوناگون آن همچون عدالت فضایی، اقتصادی، توجه به مناطق حاشیه ای و... دانست، اما هرگونه برنامه ریزی، طراحی و مداخله در مقیاس شهر مستلزم بررسی های تخصصی و نگاهی کل نگر به شهر است، در غیر این صورت محکوم به شکست خواهد بود و نتیجه ای جز هدر رفتن منابع نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: مشهد، توسعه، مرکز، منظر.

مقدمه و بیان مسئله

این یادداشت با هدف روشن کردن ابعاد پنهان این تصمیم مهم به صورت مختصر به بررسی معضلات مطرح شده از دیدگاه کل نگر و نگرش سیستمی، رویکرد مدیریت شهری در حل آن ها را مورد نقد قرار می دهد. به این منظور ابتدا به صورت مختصر هر کدام از مسایل ذکر شده و دلیل حدوث آن ها را مورد بررسی قرار داده و سپس با تمرکز بر مفهوم مرکز در منظر شهری از این نظرگاه نقد خود را مطرح خواهد کرد. بنابر ماهیت کلی شهر، به مثابه سیستمی پویا، هرگونه برنامه ریزی، طراحی و مداخله در مقیاس شهر نیازمند فهمی واحد و کلی از اجزای تشکیل دهنده آن هاست. شناختی از شهر که آن را یک کل به هم پیوسته از اجزایی در ارتباط با هم درک می کند. این شناخت مستلزم بررسی مؤلفه های لایه های

مدتی است که بحث توسعه شهر مشهد به سمت شرق در رسانه های محلی پربسامد بوده است. عمده ضرورت ذکر شده در این منابع گسترش حاشیه نشینی در شرق، خروج حرم از مرکزیت به واسطه توسعه شهر به غرب در سال های اخیر و ارتقای عدالت فضایی مطرح شده است. این یادداشت به دنبال پاسخ به این سوال است: آیا توسعه به شرق راه حل صحیح برطرف کردن مشکلات ذکر شده خواهد بود؟ آیا با فرض توسعه شهر به سمت شرق حرم مطهر به مرکزیت شهر باز خواهد گشت؟ آیا مرکزیت با وسط بودن در شهر هم معنا هستند؟

آن به سمت حاشیة شهر به واسطه توسعه شهر به سمت غرب در سال‌های اخیر است (تصویر ۱). این یادداشت با تمرکز بر این مورد، با توضیح مفهوم مرکزیت در شهر از نگاه تخصص منظر، گزاره مذکور را مورد نقد و بررسی قرار خواهد داد.

بدنه نقد

اساساً در سنت شهرهای ایرانی، اتفاقات معنایی و کارکردی به صورت خودجوش در یک مکان بر هم منطبق می‌شدند و مفهوم مرکزیت با محل آن، که الزاماً مرکز هندسی شهر نیز نبود، مرکزیت را پدید می‌آورد (منصوری، ۱۳۹۹، ۵۳؛ ابرقویی فرد و منصوری، ۱۴۰۰). مرکز شهر مفهومی عینی-ذهنی است که در لایه‌های کالبدی، فعالیت‌ی و معنایی برآمده از خاطره جمعی، حس تعلق به مکان، هویت شهر و نمادهای آن متبلور می‌شود. چیستی و هویت شهر در «مرکز» ظهور می‌کند و توسط شهروندان به عنوان شناسه شهر شناخته می‌شود (مخلص، ۱۳۹۶، ۱۶)، (تصویر ۲). مرکز شهر مجموعه‌ای عبادی، اجتماعی و کارکردی است که

گوناگون دخیل در این سیستم و سنتز همه آن‌ها در قالب یک کل منسجم است. در غیر این صورت هر گونه مداخله‌ای منجر به تولد عضوی ناقص و ناکارآمد در اندام شهر خواهد بود. از این رو بررسی لایه‌های مختلف تأثیرگذار، لازمه هر توسعه پایدار است.

پیرامون ضرورت اول و سوم عنوان شده برای توسعه به شرق، این‌طور به نظر می‌رسد که پیدایش معضل حاشیه‌نشینی در شرق و بروز ناعدالتی فضایی در شهر را می‌توان ناشی از دلایل گوناگونی دانست. دلایلی اعم از نابرابری اقتصادی، نابرابری در توزیع ثروت و منابع اقتصادی (United Nation, 2020)؛ همچنین بیکاری و عدم دسترسی به شغل می‌تواند منجر به حاشیه‌نشینی شود (International Labor Organi-zationl, 2020). این دلایل بیشتر موجب مهاجرت گسترده از روستاها و شهرستان‌های کم‌برخوردار به شهرهای بزرگ شده و حاشیه‌نشینی در شهر را افزایش خواهد داد. از دیگر موارد اصلی بیان شده در ضرورت توسعه به شرق، خارج شدن حرم از مرکزیت (وسط‌بودن) شهر و کشیده شدن



تصویر ۱. جایگاه جغرافیایی حرم مطهر در سازمان فضایی شهر مشهد در حال حاضر. مأخذ: نگارنده.

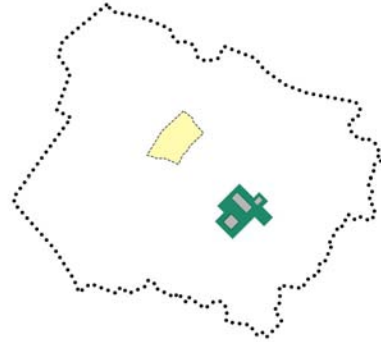
بنابراین حرم مطهر به عنوان مرکز و زیارت به عنوان عملکرد اصلی، علت و دلیل وجودی شهر بوده که معنا و هویت اصلی شهر حول آن تعریف می‌شد. اما از زمان شروع مداخلات در بافت اطراف حرم در چند دهه گذشته تا به امروز، به واسطه دیدگاه جزءنگر طرح‌های جامع و تفصیلی، با تضعیف هسته اصلی شهر، به تدریج مراکز جدید در شهر شکل گرفت. در واقع این مداخلات مرکزیت مشهد را از حرم گرفته و سازمان فضایی شهر را مختل کرد. در نتیجه شهر مشهد کمتر به عنوان یک کل درک و بیشتر مجموعه‌ای از زیستگاه‌های مجاور هم تلقی شد و این‌گونه قلب شهر از پیکر آن جدا شد. به عبارت دیگر مداخلات گسترده شهرداری در محدوده بافت اطراف حرم مطهر و تخریب گسترده ساختارها و نظامات حاکم بر این محدوده در طی سه دهه اخیر را می‌توان دلیل اصلی از دست رفتن اعتبار «مرکزیت» حرم مطهر رضوی در شهر مشهد دانست نه گسترش شهر به شمال غرب، مطالعات تاریخی و بررسی‌های جامعه‌شناسی نشان می‌دهد، گروه‌های قدرتمند سیاسی و اجتماعی به منظور ایجاد تسلط بر جامعه همواره به دنبال استیلای قدرت در مرکز شهرها بوده‌اند. این امر در مرکزیت شهر مشهد به دلیل تجمع قدرت و ثروت بیش از دیگر شهرها بروز و ظهور یافته است. در دوره پس از انقلاب اسلامی نیز به وضوح می‌توان این تلاش حکومت را خوانش کرد.

همان‌گونه که خالی‌شدن بافت پیرامونی حرم از ساکنان و شهروندان ریشه بروز بسیاری از معضلات اجتماعی است، تک‌قطبی‌شدن مرکز (حرم مطهر) و غلبه نگاه سیاسی در دوره حاضر بر مدیریت امور، به تدریج به ایجاد شکاف اجتماعی و در نتیجه تقابل نیروهای اجتماعی و حکومتی در مشهد شده است که بروز آن را می‌توان در ایجاد مراکز جدید مدنی در شهر مشاهده کرد.

در واقع تا قبل از رفتارها و کنش‌های یک‌جانبه‌گرایانه، حرم مطهر به عنوان مرکز در نقاط عطف تاریخی همواره محل تجمعات، تظاهرات و اعتراضات مدنی مردم مشهد بود. اما در سال‌های اخیر تنها شاهد تجمعات مذهبی - حکومتی در این محدوده بوده و تجمعات سیاسی و اجتماعی اعتراضی در مراکز جدید شهر (احمد آباد - وکیل آباد) مشاهده می‌شود. این واقعه نشان‌دهنده جدا شدن مرکز مذهبی از مرکز مدنی و به وضوح نماینده شکاف اجتماعی بوجود آمده در شهر است.

نتیجه‌گیری

مرکز در سازمان فضایی هر شهر مهم‌ترین عنصر تلقی می‌شود به طوری که تقویت یا تضعیف آن بر کل شهر تسری پیدا خواهد کرد. یکی از معیارهای مرکز بودن در یک شهر



تصویر ۲. جایگاه حرم و مرکزیت شهر مشهد در سازمان فضایی شهر دوره قاجار. مأخذ: نگارنده.

ارتباط دائمی شهروندان با آن نقش مرکزیت آن در سازمان فضایی شهر و نظم شکل‌دهنده به صورت شهر را غیر قابل انکار می‌سازد. به تعبیری مرکز شهر یک منظر است؛ مفهومی عینی - ذهنی که بعد عینی آن در لایه‌های کالبدی و فعالیتی و بعد ذهنی آن در لایه معنایی برآمده از خاطره جمعی، حس تعلق به مکان، هویت شهر و نمادهای آن متبلور می‌شود. چیستی و هویت شهر در مرکز ظهور می‌کند و توسط شهروندان به عنوان شناسه شهر شناخته می‌شود، مرکز حافظه و قلب زندگی اجتماعی شهر است؛ محل فعالیت‌های عمومی، تولید خاطرات جمعی شناسه شهر و مکانی برای ارتقای کیفیت شهر است. در شهر سنتی ایران اتفاقات معنایی و کارکردی به صورت خودجوش در یک مکان بر هم منطبق می‌شدند و مفهوم مرکزیت با محل آن که الزاماً مرکز هندسی شهر نیز نبود مرکزیت را پدید می‌آورد. آرایش محله‌ها در پیرامون مرکز و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از طریق ساختاری کالبدی که از مرکز منشعب می‌شد اجماع کاربری‌های، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، ابنیه عام‌المنفعه و نقطه تلاقی راه‌ها بر مفهوم مرکز به عنوان قلب فیزیکی و متافیزیکی شهر تأکید می‌کرد. وصف مرکز شهر به استناد مقالات علمی و منابع تاریخی ذیل سه عنوان اصلی تجمیع فضاهای عمومی، بازار و میادین قابل طبقه‌بندی است که هر یک از آن‌ها بر ابعاد خاصی از هویت مرکز تأکید می‌کند. ترکیب مفاهیم حاصل از ابعاد فوق معنای مرکز به عنوان یک منظر که بر وجه عینی و ذهنی تکیه دارد را روشن‌تر می‌سازد (منصوری، ۱۳۸۶).

عدم آگاهی صحیح مدیریت شهری نسبت به مفهوم مرکزیت در سازمان فضایی شهر موجب بروز اشتباه در فهم جایگاه حرم در شهر است. به یقین هسته اولیه و علت وجودی شهر مشهد قرار گرفتن بارگاه امام رضا (ع) و شکل‌گیری استخوان‌بندی و دانه‌های تشکیل‌دهنده شهر حول این هسته بوده است.

چنانچه مدیریت شهری به دنبال برقراری عدالت فضایی و برطرف کردن معضل حاشیه‌نشینی است، می‌بایست به جای تحمیل خواسته‌های خود بر طرح‌های توسعه شهری، با درخواست از متخصصان به دنبال راهکارها و برنامه‌ریزی‌های علمی و عملی باشد. هر چند از نظر نگارنده رد اقتدارگرایی، اقبال به شبه‌علم، غلبه نگاه سیاسی به جای تخصص‌گرایی، فقدان شفافیت و البته سوداگری‌های پنهان زمین توسط ابرمالکان در پس این‌گونه اظهارنظرها و تصمیمات قابل پیگیری است.

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده و منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹.
- مخلص، فرنوش. (۱۳۹۶). ساختار چندهسته‌ای مدینه‌های مراکش. هنر و تمدن شرق، ۵(۱۲)، ۱۵-۲۲.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. باغ نظر، ۴(۷)، ۵۰-۶۰.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۹). سازمان فضایی شهر ایرانی دوره اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشکده نظر.
- International Labor Organization. (2020). *Global Employment Trends for Youth*. Retrieved June 18, 2022, from https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/---publ/documents/publication/wcms_737648..pdf.
- United Nations Development Programme. (2020). *Bangladesh National Human Development Report*. Retrieved June 18, 2022, from <https://bangladesh.un.org/en/110346-2020-human-development-report>

مرکزیت اجتماعی و مدنی است. کانونی که تنوع مطلوبی از انواع گونه‌های اجتماعی در آن یافت می‌شود و مردم خود را در آن شریک و سهیم می‌پندارند. ازدست‌رفتن اعتبار مرکزیت حرم مطهر در شهر مشهد را می‌توان یکی از نتایج غلبه مداخلات دستوری و حاکمیتی دانست. حرم مطهر و بافت پیرامونی آن که تا پیش از این به عنوان مرکز، جایگاه تمامی اقشار و سلاقی اجتماعی بوده است، به واسطه تصمیمات و اقدامات اقتدارگرایانه‌ای همچون توسعه بی‌رویه مرزها و حجیم‌سازی کالبدی حرم با هدف نمایش سیاسی و اقتصادی از شهر جدا شده و با گرفتن قدرت از نیروهای اجتماعی به نفع نیروهای حاکمیتی، اعتبار و حیثیت خود را به عنوان «مرکز شهر» تا حد زیادی از دست داده است. بنابراین ساختار همگن شهری که مبتنی بر بازار و محورهای ارگانیک متصل به حرم بودند دچار گسست شده و مرکز به مثابه یک قطب مذهبی به توسعه فیزیکی جهت خدمت‌دهی به زائر، مجاوران را به حاشیه‌های شهر می‌راند.

در صورت رفع نواقص موجود، فرصت‌های پیش روی این رویکرد مدیریت شهری می‌تواند حرکت در راستای ارتقای عدالت فضایی، توجه به مناطق حاشیه‌ای یا مناطق فقیر و محروم شهرها به عنوان مناطقی که نیاز به توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی دارند، باشد که به بهبود زندگی شهروندان و کاهش نابرابری‌های اجتماعی منتهی خواهد شد؛ اما ضعف آن ساده‌انگاری مسئله و عدم پیشبرد اقدامات توسط متخصصان برنامه‌ریزی، منظر و جغرافیای شهری است. چرا که اساساً شهر را نمی‌توان دستوری مدیریت کرد. توسعه و گسترش جغرافیایی شهر مبانی و الزامات تخصصی خود را دارد که در این گفتار نمی‌گنجد. در هر صورت آنچه واضح است استدلال خروج حرم از مرکزیت به منظور ابداع افکار عمومی (خصوص قشر متدین) برای توسعه به شرق، استدلالی غلط و عوام‌فریبانه به نظر می‌رسد.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 حسینزاده، مهدی. (۱۴۰۲). توسعه به شرق، راه حل مدیریت شهری مشهد برای بازگرداندن حرم مطهر به مرکزیت؟! مجله هنر و تمدن شرق، ۱۱(۴۰)، ۷۵-۷۸.



DOI: 10.22034/JACO.2023.399702.1320
 URL: https://www.jaco-sj.com/article_173960.html